

۲۲۱۴۱۵۸

پندرش

اثری از جولی باکسبام

نویسندهٔ پر فروش نیویورک تایمز

مترجم: طراوت رومیانی

انتشارات سبزان

Buxbaum, Julie	پاکسیام، جولی	سرشناسه
	پذیرش، بر اساس داستانی واقعی / اثری از جولی پاکسیام؛ مترجم طراوت رومیانی.	عنوان و نام پدیدآور
	تهران: سبزان، ۱۴۰۰.	مشخصات نشر
	۳۱۲ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-117-608-1		شابک
	فیبا	وضعیت فهرست نویسی
Admission, 2020.	عنوان اصلی:	یادداشت
داستان‌های نوجوانان آمریکایی -- قرن ۲۱م.		موضوع
Young adult fiction, American-- 21st century		
رومیانی اصل، طراوت، ۱۳۷۳، مترجم		شناسه افزوده
۳۶۰۳PS		رده بندی کنگره
۸۱۳/۶[ج]		رده بندی دیویی
۷۶۶۷۷۶۴		شماره کتابشناسی ملی
فیبا		اطلاعات رکورد کتابشناسی



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان موسوی (فرصت) - ساختمان ۵۳ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۱۴۷۰۴۴

پذیرش

• نویسنده: جولی پاکسیام

• مترجم: طراوت رومیانی

• ناشر: سبزان

• حروف چینی، صفحه‌آرایی، طراحی و لیتوگرافی: واحد فنی سبزان

۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷

• نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۴۰۱

• تیراژ: ۲۰۰ نسخه

• قیمت: ۲۱۸,۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: کامیاب

فروش اینترنتی از طریق سایت آی‌آی‌کتاب www.iiketab.com

ISBN: 978-600-117-608-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۶۰۸-۱

فهرست

۵.....	درباره نویسنده
۷.....	یادداشت نویسنده
۹.....	فصل اول: حال
۱۵.....	فصل دوم: گذشته
۲۵.....	فصل سوم: حال
۲۸.....	فصل چهارم: گذشته
۳۴.....	فصل پنجم: حال
۳۷.....	فصل ششم: گذشته
۴۸.....	فصل هفتم: حال
۵۳.....	فصل هشتم: گذشته
۶۰.....	فصل نهم: حال
۶۵.....	فصل دهم: گذشته
۷۵.....	فصل یازدهم: حال
۸۱.....	فصل دوازدهم: گذشته
۹۰.....	فصل سیزدهم: حال
۹۵.....	فصل چهاردهم: گذشته
۱۰۱.....	فصل پانزدهم: حال
۱۰۶.....	فصل شانزدهم: گذشته
۱۱۲.....	فصل هفدهم: حال
۱۱۷.....	فصل هجدهم: گذشته
۱۲۳.....	فصل نوزدهم: حال
۱۲۸.....	فصل بیستم: گذشته
۱۳۲.....	فصل بیست و یکم: حال
۱۳۷.....	فصل بیست و دوم: گذشته
۱۴۲.....	فصل بیست و سوم: حال
۱۴۸.....	فصل بیست و چهارم: گذشته

۱۵۴.....	فصل بیست و پنجم: حال
۱۶۳.....	فصل بیست و ششم: گذشته
۱۶۹.....	فصل بیست و هفتم: حال
۱۷۸.....	فصل بیست و هشتم: گذشته
۱۸۱.....	فصل بیست و نهم: حال
۱۸۷.....	فصل سی ام: گذشته
۱۹۲.....	فصل سی و یکم: حال
۱۹۹.....	فصل سی و دوم: گذشته
۲۰۴.....	فصل سی و سوم: حال
۲۱۲.....	فصل سی و چهارم: گذشته
۲۲۰.....	فصل سی و پنجم: حال
۲۲۶.....	فصل سی و ششم: گذشته
۲۲۹.....	فصل سی و هفتم: حال
۲۴۱.....	فصل سی و هشتم: گذشته
۲۴۵.....	فصل سی و نهم: حال
۲۵۰.....	فصل چهلم: گذشته
۲۵۷.....	فصل چهل و یکم: حال
۲۶۵.....	فصل چهل و دوم: گذشته
۲۶۹.....	فصل چهل و سوم: حال
۲۷۳.....	فصل چهل و چهارم: گذشته
۲۸۲.....	فصل چهل و پنجم: حال
۲۹۰.....	فصل چهل و ششم: حال
۲۹۹.....	فصل چهل و هفتم: حال
۳۰۵.....	ختم کلام: چهارده ماه بعد

یادداشت نویسنده

وقتی خبر افتتاح پذیرش دانشگاه تیتراول اخبار را به خودش اختصاص داد و رسانه‌های اجتماعی را در بر گرفت، عمیقاً مجذوبش شدم. موضوع جذابی به نظر می‌آمد: طمع، برتری و البته شهامت. با این حال، این تنها قسمت داستان نبود که من را به خودش جذب کرد. حس می‌کردم این پرونده دربارهٔ نوجوان‌ها و والدین آنهاست، دربارهٔ خانواده، دربارهٔ اینکه انتظارات یک نسل چطور نسل بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینها تمام موضوعاتی بود که برای نوشتن این رمان احتیاج داشتم.

نوشتن یک رمان مثل خواندنش نیازمند حس همدردی است. این پرونده قوهٔ تخیل من را به آتش کشاند. حدوداً یک سال بود که مشغول نوشتن یک رمان دیگر بودم، اما فکر یک شخصیت جدید - کلویی برینگر - از ذهنم بیرون نمی‌رفت. شخصیتی که یک روز صبح در خانه را باز می‌کند و به جای مأمور پست، با نیروهای FBI مواجه می‌شود که حکم جلب مادرش را در دست دارند.

بنابراین، به رمان دیگرم خیانت کردم (بله، خیانت) و شروع کردم به شخصیت‌سازی و شاخ و برگ دادن به ایدهٔ اولیهٔ داستان. آیا کلویی هم در دبیرستان وودولی که اثر محبوب من *چیز را به من بگو* در آن اتفاق می‌افتد درس می‌خواند؟ (خطر لو رفتن داستان: بله، در همان دبیرستان درس می‌خواند) وقتی می‌فهمد پدر و مادرش آن قدر او را دست‌کم گرفته بودند که برای گرفتن پذیرش دانشگاه به کلاهبرداری متوسل شدند، چه حسی به او دست می‌دهد؟ کلویی چقدر در مورد این نقشه اطلاع داشت و چه زمانی این اطلاعات را به دست آورد؟ چطور می‌توانیم بدون توجه به مزایایی که از آنها برخورداریم خودمان را قضاوت کنیم؟ مدت زیادی نگذشت که رمانی که بیشتر از نصفش را نوشته بودم رها، و شروع به نوشتن پذیرش کردم.